



## جادو و جادوشناسی

دکتر جمشید آزادگان

قانونی این عمل در سال ۱۹۵۱ در انگلستان، به حیات خود ادامه می دهد.

باور به جادوگری امری است مابه الاختلاف. اما اعم از این که کسی این نظر را بپذیرد که باور به جادوگری از سده هفدهم به بعد نیز قویاً استمرار داشته یا نه، روشن است که جادوگری جدید خیلی متفاوت است با معنی و مفهومی که اروپائیان و جهان پیشرفته، در زمان درگیری های مذهبی در قرون وسطی، از آن داشتند. هنوز برای از سر به در کردن باور به جادو، راه درازی در پیش است؛ زیرا خوش باوری مردم و اعتنا به سخنان برخی از کسانی که حرفشان برای مردم عام حجت است، مثل پزشکان و علماء، امری مشهود است.

### یک تعریف از جادوگر:

جادوگری یا ساحری، دو واژه می باشند که به دو منظومه باوری وسیع الطیفی در میان جوامع انسانی اشارت دارند. وجه مشترک میان این دو منظومه، که غالباً در جامعه واحدی دوشادوش همدیگر حرکت می کنند، باوری است اصولی و اساسی به این معنی و مفهوم که برخی از افراد جامعه با توسل

هریک از ما که در دنیای جدید زندگی می کنیم، از لایه لای متون اساطیری و قصه های جن و پری، از چیستی زن جادوگر یا مرد جادوگر - که معمولاً چهره هایی کریمه دارند - آگاهی داریم. پس این جادوگران تا آن جایی که از اساطیر و قصص برمی آید، موجوداتی توهمی و تخیلی هستند. ولی همین وهمی و خیالی بودن این جادوگران، شناخت ما را از جادوگرانی که در جوامع امروزی موجودند و واقعیتی مشخص و مخوف نیز دارند، با مشکل مواجه می کند.

مشکل دیگر آن است که همین جادوگران، واقعیتی اجتماعی هستند؛ اجتماعی که خود ما هم بدان متعلقیم. تنها و تنها در محدوده همین سیصد سال اخیر است که از باور گسترده به جادوگری (از لحاظ قانونی و رسمی) رسته ایم. این نکته هم واقعیت دارد که مجلات و روزنامه ها، بعضی اوقات از کارهای مخفی جادوگران امروزی خبر می دهند و همین گزارش های خبری، خود گواه بر این است که باور به جادوگری هرگز از میان نرفته است. بدین معنی که جادوگری ولو مخفی و زیرزمینی، ادامه دارد و برخلاف منع قانونی آن در برخی ملل، مثل منع



است)، نخست باید تعریفی از خودِ جادو (Magic) به دست داد. جادو عرفاً و اخلاقاً واژه ای است نه مثبت و نه منفی، بلکه خنثی می باشد؛ به این معنی که می شود آن را با موافقت یا مخالفت اجتماعی به کار برد. این واژه به فعالیت ها و اعمال شخص جادوکار (Magician) اشارت دارد. جادوکار در این معنی، کسی است که به نحو مناسب و متناسبی، آیین ها یا مراسمی را برپا می دارد که هدف آن، کنترل نیروهای ناشناختهٔ ماوراءالطبیعی است که مسئول یا عهده دار وقوع متوالی رویدادها می باشد. در این آیین ها یا مراسم، پدیده های مادی - که غالباً ویژگی ها یا خاستگاه های نمادگرایانه دارند و در پیوند با خواسته های آرزومندانۀ مردم می باشند- با اوراد و ادعیه ای لفظی و آوایی همراه هستند. اگرچه جامعه بی سواد یا ابتدایی معمولاً جادوکاران ورزیدهٔ خود را دارد، لکن انواع صور جادو و اشیاء و ابزارآلات اعمال جادویی در اختیار مردم عادی نیز هست.

#### فرق دو جادوگر:

برابر تشخیص و تمییز قبیلهٔ آزنده، فرق عمده میان جادوگر زن و جادوگر مرد آن است که جادوگر مرد با جادوکاری به خواسته های شریب خود می رسد؛ حال آن که جادوگر زن با توسل به قوای مرموز نهفته در شخص خود، یعنی قوایی که نیازی به یاری گرفتن از جادوگری ندارند، به خواسته های شریب خود می رسد. فرق های بیشتری نیز در میان است؛ مثلاً زنانی که جادوگری می کنند، چنین در میان مردم معروفند که



به امکاناتی ماوراءالطبیعی، به هموعان خود زیان هایی وارد می آورند که نه شرعی است و نه قانونی. در اکثر لغتنامه های انگلیسی زبان، دو واژهٔ جادوگری زن (Witchcraft) و جادوگری مرد (Sorcery) تقریباً به یک معنی گرفته می شوند. اما در اصطلاحات و مفاهیم اساسی مردم شناسی فرهنگی، این دو واژه معانی مشخص و متفاوتی دارند؛ زیرا در زبان قبیلهٔ افریقایی آزنده (Azande) مقولات مافوق طبیعی دارای دقت و صراحتی بیش از آن هستند که در زبان جوامع متمدن. مردم شناس معروفی به نام ایوانز پریچارد که در مقولات ماوراءالطبیعی آن قبیله صاحب نظر است و آثارش در این باره، جزو متون مقبول و کلاسیک در مردم شناسی فرهنگی شناخته و به کار گرفته شده اند، به خوبی از عهدهٔ تمییز عملی و نظری میان این دو واژه برآمده است، که نشان از خبرگی وی در شناخت مردم شناسانهٔ قبیلهٔ آزنده است.

#### تعریف جادو:

برای سردرآوردن از تمایزی که قبیلهٔ آزنده میان جادویی که زن جادوگر می کند و جادویی که مرد جادوگر می کند (که این تمایز اکنون مقبولیت تام و تمام در میان مردم شناسان یافته

**باور به جادوگری امری است  
مابه الاختلاف. اما روشن است  
که جادوگری جدید خیلی  
متفاوت است با معنی و مفهومی  
که اروپائیان و جهان پیشرفته،  
در زمان درگیری های مذهبی  
در قرون وسطی، از آن داشتند.**



به شرطی که اسباب و لوازم جادوگری در اختیارش باشد (مثل قبایل افریقایی)، یا اوراد و اذکار مربوطه را بداند (مثل قبایل جزایر اقیانوسیه).

در همان حال که اکثر مردم شناسان فرهنگی مزایای فرق گذاری میان کارهای جادویی مردان و زنان را - که قبیلۀ افریقایی آرنده بدان قائلند - می پذیرند، هستند مردم شناسانی (به ویژه آنان که درباره قبایل جزایر اقیانوسیه تحقیق عملی و نظری می کنند) که واژه جادوگری مردان (Sorcery) را به همه صور جادویی مخرب اطلاق می کنند؛ اعم از این که مقبولیت اجتماعی داشته باشد، مثل جادوی حفظ اموال؛ یا جادوی ممنوع و بدخواهانه باشد، مثل جادوی خصومت و مردم آزاری نسبت به مردم طرف خصومت جادوگر یا کسی که از جادوگر چنان بخواهد. همین طور واژه زن جادوگر (Witch) لزوماً به چهره کربه یا شرور اطلاق نمی شود. بودند و هستند جوامعی که در آن ها واژه زن جادوگر به زنانی اطلاق می شود که به باور مردم، گاهی هم بیماری های جزئی را مداوا می کنند و هم به مردم یا منافع و مصالح و اموال آنان زیان می رسانند.

یک نام برای هردو:

از آن جا که زن و مرد جادوگر مقبولیت اجتماعی ندارند، همین امر چنین می طلبد که واژه ای یگانه که فراگیر هردو جنس جادوگر باشد، برای نامیدن آنان به کار گرفته شود. لذا واژه Witch علاوه بر معانی اخسی که در بالا برشمردیم، به معنی اعم جادوگر زن و مرد در این متن به کار می رود؛ مگر آن که بعدها خود همین متن ما بر معنی دیگری اشارت کند. میدلتون و وینتر، دو تن مردم شناسان، واژه Wizard و Wizardry را به عنوان واژگان فراگیر هردو معنی پیشنهاد کرده اند. واژه اولی به معنی جادوگر، صرف نظر از جنسیت آنان، و واژه دومی به معنی عملیات جادوگری آنان در نظر گرفته شده اند. در زبان پارسی، دو واژه جادوگر و جادوگری همین معانی را می رسانند.

همین امر که زن یا مرد جادوگر در دنیای امروزه معانی و مفاهیم وسیع الطیفی را دارا هستند، خود دلالت بر قدیمی



جادو عرفاً و اخلاقاً واژه ای است نه مثبت و نه منفی، بلکه خنثی می باشد؛ به این معنی که می شود آن را با موافقت یا مخالفت اجتماعی به کار برد.

یا معتادند و یا اختلال مشاعر دارند؛ و وقتی که چنان باشند، پس موجوداتی عجیب و غریب و خطرناک هستند. اما مردانی که جادوگری می کنند، به تصور مردم، آدم هایی معمولی هستند که انگیزه آنان، حتی اگر بدخواهانه هم باشد، انگیزه های قابل فهم است؛ از قبیل شرارت، خصومت یا کینه کشی، که این ها همه از صفات و خصایص مردم عادی نیز می باشند.

فرق دیگر دو جادوگر:

گویی کارهایی که زن جادوگر می کند، جزو عناصر ذاتی او هستند که در وی نهاده شده اند؛ حال آن که کارهایی که مرد جادوگر می کند، نیازی به چنان عناصر ذاتی ندارند. تصور عامه بر این است که آن گونه کارها از آدم های عادی هم برمی آید



جادو و جادوگری در میان انسان‌های بسیار پراکنده در کره زمین و در اعصار ماقبل تاریخ، چندان مسلم به نظر نمی‌رسد. در این باره دانشمند مردم‌شناس به نام کلمنتس بر آن است که مفاهیم وسیعاً پخش و پراکنده‌ای که انسان ابتدایی درباره بیماری‌ها دارد، از جمله بیماری‌هایی که با جادوگری، مردم بدان دچار می‌شوند، چه بسا ناشی از باورهای نیاکان دوره دیرینه سنگی انسان‌های امروزی باشد که در کره زمین پراکنده بودند.



بودن باور به آن‌ها و اعمالشان دارد. در همان حال که جوامعی غیر از جامعه ما وجود دارند که چنان اعتقادی در میانشان نیست، هستند جوامع بیشتری در تمام جهان که چنین اعتقاداتی در میانشان رواج دارد؛ از آفریقا تا دریاهای جنوب و از آسیا تا امریکای شمالی.

### افزایش توصل به جادو در بحران‌های

#### اجتماعی:

تا اواخر دوران قرون وسطی، باورهای اروپائیان به زنان و مردان جادوگر، دارای عناصر مشترکی با همان باورهایی بود که مردم بی‌سواد امروزی دارند. صرف نظر از شباهت‌هایی که در محتویات خود آن باورها وجود دارد، به نظر می‌رسد که مشابهت‌هایی هم در درجاتی از باورهایی وجود دارد که اذهان عمومی را به خود مشغول داشته‌اند. چنان باورهایی به جادو و جادوگری، بخش نسبتاً کوچکی از الگوهای زندگی مردمان را تشکیل می‌دهد، و همین باورها در دوران بحران‌ها

شناسی، باید به طور اجتناب‌ناپذیری مباحث مابه‌الاضتلافی در میان باشد. اسناد و مدارک تاریخی در وقایع نامه‌ها و در مکتوبات مربوطه بسیار قدیمی موجود است که دلالت بر وجود باور به جادوگران زن و مرد می‌کند. این دو دسته فراگیر و پیردانه از آثار باستانی و ماقبل باستانی و آثار تاریخی را نباید دست کم گرفت. این‌ها حتماً باور بشر به جادو و جادوگر را صراحت می‌بخشند و تردید در این باره را مردود می‌نمایند. در میان باورهای موجود در آن اعصار بسیار آغازین تاریخ‌های مکتوب، و آن باورهایی که متعلق به روزگاران اخیر می‌باشند، یا آن باورهایی که مردم شناسان نواندیش مشغول به کار مردم‌شناسی فرهنگی در میان جوامع ابتدایی مانده معاصر گردآورده‌اند، رابطه تنگاتنگ و همانندی‌های مکرر و پرشماری وجود دارد. در جوامع تاریخی‌ای که جوامع ما از اخلاف آن است، استمرار مفاهیمی درباره همین جادوگران بدکاره مرموز، از عهد کهن و کلاسیک گرفته تا قرون وسطی و تا اعصار جدید، خود پدیده‌ای است برجسته و پرجاذبه و قابل تأمل و تعمق؛ اما قائل شدن به خاستگاه یگانه‌ای برای باور به

**پیدایش و گسترش باور بسیار قوی به جادوی حفظ و حراست از مال و جان مردم، از زمان مرحله گذار اروپا از فتودالیسم قرون وسطایی به دوران رنسانس و اصلاحات مذهبی و اجتماعی آغاز شد.**



و نومیادی های اجتماعی بیش از آن که موجب نگرانی دائمی مردم شوند، قوی تر و فعال تر می شوند. اکثر تحقیقات پرشماری که درحوزه اعمال جادویی اروپائیان و جهان نوین انجام شده، به ادوار ابتدایی تر اعتقاد به جادوگری نپرداخته اند؛ بلکه به شناخت امور و اعمال جادویی ادواری پرداخته اند که اذهان عمومی ازباور به تأثیرات جادوگری انباشته شده بود. اما پیدایش و گسترش باور بسیار قوی به جادوی حفظ و حراست ازمال و جان مردم - که آن هم برپایه اعتقادات مزمن اعصار و قرون استواربود- از زمان مرحله گذار اروپا از فئودالیسم قرون وسطایی به دوران رنسانس و اصلاحات مذهبی و اجتماعی آغاز شد. درطول زمانی که تغییرات اساسی درعصر رنسانس و اصلاحات صورت تحقق به خود می گرفت، دین و سیاست تجدید یافته عصر رنسانس، باورهای دیرپا به اعمال و امور جادویی را به زیر سؤال برد. مثلاً از آن پس جادوگران، مرتدان دینی اعلام شدند و همین خود اسلحه جدیدی شد که به انبار اسلحه دینی کلیسا وارد گشت. مثال دیگر آن که، مخالفت و ضدیت روحانیون مسیحی با جادوگران، متوجه کسانی شد که با دیانت رسمیت یافته مسیحیت سر سازگاری نداشتند. نتیجه همین درگیری ها از جمله آن شد که جادوگران اروپایی سیمای مشخص تری یافتند که مهم ترین آن، این بود که جادوگران با دیوان و شیاطین درارتباطند. درحالی که درجوامع دیگر، جادوگران برای دیوان و شیاطین قائل به شخصیت بودند، در تاریخ اروپا چنین آمده است که جادوگران اروپایی همان کار را از راه مشخص تری انجام می دادند؛ یعنی خودشان مظاهر زمینی امیرالامرای دیوان و شیاطین معرفی شده بودند. بدینسان است که جادوگری اروپایی به شهادت اکثر آثارمکتوب و مربوط، نه چنان است که با منظومه باوری کهن و متداول جامعه بی سواد همانندی داشته باشد؛ بلکه بیشتر با جنبش هایی کیشی همانندی دارد که از نیمه دوم سده نوزدهم به این سو، از هر گوشه جهان مردمان ابتدایی مجبور شدند سریعاً خود را با روش های جدید زندگی غربی تطبیق دهند. این جنبش های کیشی خواه ناخواه چنان خود را برملا می کنند که گویی درجست و جوی راه های مفید و مؤثر فهم



فرق عمده میان جادوگر زن و جادوگر مرد آن است که جادوگر مرد با جادوکاری به خواسته های شریر خود می رسد؛ حال آن که جادوگر زن با توسل به قوای مرموز نهفته در شخص خود، یعنی قوایی که نیازی به یاری گرفتن از جادوگری ندارند، به خواسته های شریر خود می رسد.



و اصلاح اوضاع و احوال درهم ریخته خود بودند. همین طور هم جادوی حفظ و حراست مال و جان مردم عوام اروپا و انگلستان قدیم و جدید، به نظرمی رسد که بخشی از عکس العملی کلی باشد که در برابر دوره تغییرات و تحولات سریع و ناپایدار زمان وقوع یافته است.

### قوم نگاری جادوگری:

تحقیقات به عمل آمده درباره قوم نگاری جادوگری، تحقیقاتی بسیار غنی است. با قبول این فرض که جامعه غربی از دست جادوگران رها گشته است، جهانگردان غربی، مأموران اعزامی غربی به خارج، کارمندان امور اداری غربی در خارج، و حتی مردم شناسان غربی برآنند که جادو و جادوگری در جهان غیر غربی، عجیب و غریب ترین بخش زندگی بومیان هر کشور را تشکیل می دهد. معلوم شده است که باورهای جادویی این بومیان، غالباً به همان اندازه برای سرگرمی محض آنان ثبت و ضبط می شود که برای مصالح و ملاحظات علمی آن بومیان. به نظر می رسد که آن بومیان به کسانی که برای تحقق یافتن خیالات خود آن بومیان به کشف ظواهر زیبای دنیای خیال می پردازند، پاداش می دهند.

### خود فریبی و واقعیت اجتماعی:

با این همه که گفته شد، همین منظومه ها و مجموعه های باور به جادو، مصالح و منافع علمی مهمی را دارا هستند. گرچه این باورها از دید ما، فریب های با ضابطه و حساب شده جوامع ابتدایی اندیش می باشند، ولی بنا به تصریح خانم محقق به نام مونیکا ویلسون، تجزیه و تحلیل تطبیقی چنان فریب و فریبندگی هایی، اعمالی صرفاً قدیمه و کهنه نیستند، بلکه کلید فهم و شناخت جامعه نیز می باشند. راستی آن است که این باورها، از بررسی و تحلیل مفید و کارآمد و قاعده مند شماری از اطلاعات و علوم اجتماعی سربرآورده اند؛ زیرا همین باورها هستند که پرتو نوری بر رفتار و اخلاق کلی انسان می افکنند. حتی آثار مکتوبی که درباره عملیات جادویی وجود دارد و دربدو امر توصیفی به نظر می رسند، غالباً مبتنی بر مجموعه ای از حدسیات قاعده مندی هستند که گویی برآند تا آن اعمال جادویی را قابل فهم و رسا کنند؛ حتی وقتی

همین امر که زن یا مرد جادوگر در دنیای امروزه معانی و مفاهیم وسیع الطیفی را دارا هستند، خود دلالت بر قدیمی بودن باور به آن ها و اعمالشان دارد.





کشاکش و دگرگونی اجتماعی را در مرکز توجه خود قرار می دهد. اما ما برآنیم که نظریه روانکاوی زیگموند فروید درباره جادو، سرچشمه های اصلی آن را که در "تأثیر ارواح و قدرت مطلق ذهنیات" نهفته است، به دست می دهد.

**همین منظومه ها و مجموعه های باور به جادو، مصالح و منافع علمی مهمی را دارا هستند. زیرا همین باورها هستند که پرتو نوری بر رفتار و اخلاق کلی انسان می افکنند.**

نظریه روانکاوانه فروید را که تا این زمان صاحب نظران مکاتب مختلف مربوطه، آن را پذیرفته ترین نظریه منطبق بواقع می دانند، و نیز تعاریف جادو از دیدگاه مکاتب علمی مربوطه، و بسیاری نکات لازم به ذکر دیگر را در مقالات بعدی خواهیم نگاشت.

که جامعه دیگری نظیر جامعه کنونی ما بدان ها بنگرند.

**نظریه ها:**

نظریه پردازی هایی که درباره عملیات جادویی شده است، عمدتاً سه دسته اند: اول، از لحاظ تاریخی، یعنی شناخت جادوگر و جادوگری در طول تاریخ؛

دوم، از دید روان شناسی؛

سوم، از منظره چشم جامعه شناسی.

در نظریه جامعه شناسانه به تقسیماتی فرعی می توان دست زد: یکی نظریه ای است که برجسته های هنجاری سازمان اجتماعی تأکید می ورزد، و دیگری نظریه ای است که

#### منابع و مأخذ:

- ۱- Evans- Pritchard, E.E.: Witchcraft among the Azande, Clarendon Press, ۱۹۲۹
- ۲- Marwick, Max: Witchcraft & Sorcery, G.B., C.Nicholls & Company Ltd., ۱۹۷۵
- ۳- Clements, F.E.: Primitive concepts of disease, University of California in America, Anthropology and Ethnology, Vol. ۳۲, ۱۹۳۲
- ۴- Childe, Gordon V. : History, London, ۱۹۴۷
- ۵- Mayer, P. : Inaugural Lecture, Rhodes University, Grahamstown, ۱۹۵۴
- ۶- Cambridge History of Iran, Vol. ۵, Cambridge University, Press, ۱۹۶۸
- ۷- Middelton, J. and Winter, E.H. (eds) : Witchcraft and Sorcery in East Africa, Routledge & Kegan Paul, ۱۹۶۳
- ۸- Worsley, P.M. : Millenarian Movements in Melanesia, Human problems in British & central Africa, Vol. ۲۱, pp. ۱۸۳۱, ۱۹۵۱

۹- ژاک لانتیه، دهکده های جادو، ترجمه مصطفی موسوی (زنجانی)، انتشارات بهجت، ۱۳۷۳

۱۰- Wilson, M., et. Al., Keiskammahoek Royal Survey, Vol. ۳, Social Structure, Shuter & Shooter, ۱۹۵۲